

## بررسی چِستی و چرایِ وجه شبه و کیفیت تعامل آن با طرفین تشبیه براساس آراء بروک-رز و گوتلی (مطالعه موردی: منظومه‌های ویس و رامین گرگانی و خسرو و شیرین نظامی)

### Exploring What and Why of Similarity and its Interaction Quality with Similar Parties based on the Opinions of Brooke-Rose and Goatly (Case Study: *Vis and Rāmin* Gorgani and *Khosrow and Shirin* Nezami Ganjavi)

Ali Tasnimi<sup>-</sup>

Yahya Talebian<sup>-</sup>

Maryam Ghaffari Jahed<sup>-</sup>

Ahmadreza Biabani Tooneh<sup>-</sup>

علی تسنیمی<sup>-</sup>

یحیی طالبیان<sup>-</sup>

مریم غفاری جاهد<sup>-</sup>

احمدرضا بیابانی تونه<sup>-</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱

#### Abstract

Abstract

The Rhetorical system is one of the most prominent literary system in which one can see how the literary creation process works. In the process of this process, the application of the curriculum is also an ingredient that has a significant effect on attraction, attractiveness and transference. The simile industry as one of the most important means of the portrait is the central core of poetic imagination. Among the elements of this verbal adornment, the Similarity factor is the activation of the reader's mind and participation in the creation of the arts, an incredible likeness and innovation in it, to a large extent, returns to a Similarity form. The present study seeks to analyze the similarities used in *ii s ddd nnnnn* Fakhreddin Asad Gurgani and *Khosrow and Shirin* Ganjavi, from the views of Christine Brock-Rose and André Gutli, in the style of the two Poems, the different application of the pictograms in them, and The relationship between the face-to-face ratio and the frequency of the use of tangible and pertinent elements in their similes is measured and evaluated. The method used in the descriptive-analytic research is based on the inductive reasoning that is carried out through sampling. In the end, according to the results obtained, it can be concluded that in the Masnawi of *nns ddd nnnnn*, the frequency of visual simulations is more than functional, but in the Masnawi of *Khosrow and Shirin*, the similes have more dynamism and become out of order and stability. Similarly, in both Poems, the frequency of visual simulations is greater than functional simulations. On the other hand, the fictional motif of the military is more than the story of Fakhreddin Asad, and on the contrary, the poetry of *Vis ddd nnnnn* Poem is more imaginative. Most aspects of similarity are necessary in both stories as to what is meant, to be expected and to the way.

**Keywords:** Similary, *Vis and Rāmin*, *Khosrow and Shirin*, Goatly, Brooke-Rose.

- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (Corresponding Author); a.tasnimi@hsu.ac.ir

- Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran; Ytalebian@gmail.com

- Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; Maryamjahed@ymail.com

- Ph.D. in Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; Ar.biabani.hsu@gmail.com

#### چکیده

دستگاه بلاغی، یک، از بارزترین، دستگاه‌های زبان ادبی، است که چگونگی، روند آفرینش ادبی یک اثر را می‌توان در آن ملاحظه نمود. در پیکره این فرایند، کاربرد صورخیال نیز مؤلفه‌ای است که تأثیر شگرفی بر گیرایی، جذابیت و انتقال معنی دارد. صنعت تشبیه به عنوان یکی از ابزارهای اساسی صورخیال، هسته مرکزی تخیلات شاعرانه است و در میان ارکان این زیور کلامی، وجه‌شبهه عامل اصلی و اساسی فعال‌نمودن ذهن خواننده و مشارکت‌دادن وی در جریان آفرینش هنری است که به یقین، خیال‌انگیزی تشبیه و نوآوری در آن، تا حدود زیادی به وجه‌شبهه بازمی‌گردد. پژوهش حاضر بر آن است تا با واکاوی تشبیهات به‌کاررفته در منظومه‌های ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین نظامی گنجوی از دریچه آراء و نظریات کریستین بروک-رز و آندره گوتلی، به سبک دو اثر مذکور، کاربرد متفاوت صورخیال در آن‌ها و رابطه وجه‌شبهه با مشبه و مشبه‌به دست‌یافته و بسامد کاربرد ارکان محسوس و معقول را در تشبیهات آن‌ها، مورد سنجش و تحلیل قرار دهد. روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و به شیوه استدلال استقرایی است که از طریق نمونه‌گیری انجام می‌شود. در پایان، با توجه به آمار حاصل آمده، می‌توان نتیجه گرفت که در مثنوی ویس و رامین، بسامد تشبیهات تصویری در قیاس با کارکردی بیشتر است اما در مثنوی خسرو و شیرین، تشبیهات دارای پویایی بیشتری شده و از سکون و ثبات خارج می‌شوند؛ هم‌چنین در هر دو منظومه، بسامد تشبیهات تصویری نسبت به تشبیهات کارکردی بیشتر است. از دیگر سو، در اثر نظامی مشبه خیالی بیشتر از داستان فخرالدین اسعد است و در مقابل، منظومه ویس و رامین از مشبه‌به خیالی بیشتری برخوردار است؛ بیشتر وجوه شباهت در هر دو داستان نسبت به مشبه، موردانتظار و نسبت به مشبه‌به، ضروری هستند.

**کلیدواژه‌ها:** وجه‌شبهه، ویس و رامین، خسرو و شیرین، گوتلی، بروک-رز.

- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول); a.tasnimi@hsu.ac.ir

- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران; Ytalebian@gmail.com

- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران; Maryamjahed@ymail.com

- دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران; Ar.biabani.hsu@gmail.com

## ۱. درآمد

سبک‌شناسی بلاغی از بخش‌های اساسی دانش سبک‌شناسی است و حتی می‌توان سبک‌شناسی بلاغی را مهم‌ترین و اصلی‌ترین رکن سبک هر اثر ادبی به‌شمار آورد، زیرا تمام ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی که ادبیت یا وجه ادبی (Literariness) اثر را تشکیل می‌دهند و زمینه ادبی شدن آن را فراهم می‌آورند، در این دستگاه ظاهر می‌شوند. یکی از عوامل ایجاد صورخیال، صنعت «تشبیه» است که در دوره‌های مختلف ادب فارسی، تحولات گوناگونی داشته‌است. تشبیه دارای تقسیم‌بندی‌های متعددی است که مربوط به ارکان تشبیه است؛ یکی از این تقسیم‌بندی‌ها نیز بر اساس وجه‌شبه انجام می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی، وجه شبه به دو نوع حسی / عقلی و خیالی / واقعی تقسیم می‌شود. وجه‌شبه با وجود این که رابطه اتصال‌دهنده طرفین تشبیه به شمار می‌آید، ممکن است در نسبت با هریک از طرفین تشبیه، یکسان نباشد و طرفین تشبیه بر اساس این که محسوس یا غیرمحسوس باشند، با وجه‌شبه ارتباط دارند. غالباً در رکن محسوس می‌توان انتظار محسوس بودن وجه‌شبه را نیز داشت اما وقتی رکنی خود معقول باشد، وجه شبه احتمالاً محسوس نخواهد بود؛ با وجود این، نمی‌توان حکمی کلی در این باره داشت.

در پژوهش حاضر، با گزینش ابیاتی کلیدی از دو منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (آغاز قرن ۵ - بعد از سال ۴۴۶ ه.ق.) و خسرو شیرین نظامی گنجوی (۶۰۸-۵۳۷ ه.ق.)، تعداد ۱۰۰ تشبیه انتخاب و بررسی شده‌است و پرسش اصلی پژوهش این است که با توجه به سبک این دو منظومه و کاربرد متفاوت صورخیال در آن‌ها، رابطه وجه‌شبه با مشبه و مشبه‌به در دو اثر مذکور چگونه است و کاربرد ارکان محسوس و معقول در تشبیه، چه بسامدی دارد؟ به بیانی دیگر، مسئله اصلی پژوهش،

مقایسه انواع تشبیهات این دو اثر از لحاظ وجوه مورد نظر تحقیق برای مشخص کردن میزان ابتکار و تقلید نظامی گنجوی از فخرالدین اسعد گرگانی است.

داستان خسرو و شیرین نظامی ۵۳۰۰ بیت است که در ۱۰۰۵ بیت آن، صنعت تشبیه دیده می‌شود و ویس و رامین اسعد گرگانی با ۸۳۰۰ بیت، ۱۲۶۰ تشبیه دارد. نظامی با وجود ابیات کمتر، در زمینه تشبیه‌سازی و تصویرگری برتر از فخرالدین اسعد بوده‌است، زیرا در مجموع تمامی ابیات خسرو و شیرین، ۱۹ درصد تشبیه وجود دارد و در کل ۸۳۰۰ بیت ویس و رامین، تنها ۱۵/۵ درصد ابیات، دارای صنعت تشبیه هستند (نک. هادی و نصیری، ۱۳۹۲: ۱۱۵، ۱۲۸ و ۱۲۹).

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و به شیوه استدلال استقرایی است که از طریق نمونه‌گیری انجام می‌شود. ابیات کلیدی به‌طور گزینشی انتخاب شده و حجم نمونه، ۱۰۰ تشبیه از هر منظومه است که بر اساس الگوی کریستین بروکرز (Christine Brooke-Rose) و جدول آندره گوتلی (Andrew Goatly) بررسی شده‌است و در نهایت آماری به دست می‌آید که از طریق آن، می‌توان به مقایسه و تحلیل کاربرد تشبیه در این دو منظومه پرداخت.

### ۱-۱. بیان مسئله

کیفیت هنری یک تشبیه، به کیفیت وجه‌شبه وابسته است؛ «وجه‌شبه رابطه‌ای است که شاعر یا نویسنده به کشف آن نائل گردیده است و درجه اهمیت این کشف، کمتر از یک قانون علمی نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۸). در حقیقت، هر چه شاعر در پیدا کردن روابط مشبه و مشبه‌به، خلاقیت بیشتری به کار بندد، وجه‌شبه برجسته‌تر خواهد شد و بر ادبیت کلام می‌افزاید. در تشبیهات مفصل (در مقابل مجمل)، که وجه‌شبه و ادات تشبیه در ساختار آن‌ها ذکر می‌شود، جایگاه چندان

### ۳-۱. پیشینه پژوهش

در میان انبوه پژوهش‌های شکل‌گرفته پیرامون آثار فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی گنجوی، به‌ویژه بررسی مثنوی‌های ویس و رامین و نیز خسرو و شیرین چه به‌صورت جداگانه و چه به‌شکل تطبیقی، تاکنون پایان‌نامه یا مقاله‌ای که به‌صورت مستقیم دو منظومه مذکور را از منظر آراء بروک-رز و گوتلی مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد؛ با این وجود، در راستای به‌کارگیری اندیشه‌های صاحب‌نظران مورد بحث مقاله در آثار دیگر شاعران و نویسندگان، می‌توان به دو مقاله ذیل اشاره کرد:

- محبوبه بسمل (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وجه‌شبه در اشعار نیما یوشیج»، با شیوه گوتلی، رابطه وجه‌شبه با مشبه و مشبه‌به را در اشعار نیما بررسی نموده و به این نتیجه رسیده است که شاعر در بیشتر اشعار خود از وجه‌شبه خیالی بهره برده است؛

- تقی پورنامداریان و امیرحسین ماحوزی (۱۳۸۷) نیز در مقاله «بررسی وجه‌شبه در کلیات شمس»، با الگو قراردادن آراء گوتلی، رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه را در غزلیات مولانا بررسی و تحلیل نموده‌اند و ویژگی‌های سبکی وی را با استفاده از این شیوه نشان داده‌اند.

همان‌گونه که پیش ازین بیان شد، با وجود تلاش‌های اخیر، پژوهشی که توأمان دو منظومه آفریده فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی گنجوی را با رویکردی آماری و تحلیلی از منظر آراء و نظریات کریستین بروک-رز و آندره گوتلی مورد سنجش قرار داده‌باشد، پدید نیامده است و پژوهش پیش‌رو جهت پُر نمودن این خلأ علمی، به رشته تحریر درآمده است.

### ۲. مبانی نظری پژوهش

به جرأت می‌توان گفت بارزترین و مهم‌ترین دستگاہ

برای مخاطب و مشارکت وی در متن باقی نمی‌ماند و به قول رولان بارت (Roland Barthes)؛ (۱۹۱۵-۱۹۸۰م.)، چنین ساختارهایی «خواندنی» هستند: «متن خواندنی، خواننده را به سوی [فقط] یک معنا رهنمون می‌سازد؛ خواندنی نامیدن چنین متنی، به معنی برجسته ساختن شیوه‌ای است که خواننده از طریق آن، در موضع یک دریافت‌کننده نسبتاً منفعل می‌ایستد» (به نقل از: آلن، ۱۳۸۰: ۱۱۴)؛ به‌واقع، چیزی برای کشف باقی‌نمانده و مخاطب به‌عنوان مصرف‌کننده منفعل متون خواندنی است (نک. بلزی، ۱۳۷۹: ۱۶۴). اما در مقابل، تشبیهاتی که وجه‌شبه آن‌ها ذکر نشده یا با وجود وجه‌شبه، ابهامی در آن‌ها مشهود است (مثلاً تشبیهاتی که در آن‌ها، وجوه شبه دارای صنعت استخدام‌اند)، منجر به دخالت خواننده/مخاطب می‌گردد. این‌گونه متون، خواننده را به تولید‌کننده متن تبدیل می‌کند (آلن، ۱۳۸۰: ۱۱۶) و چنین تشبیهاتی بدیع و نو هستند و به‌عنوان سنن ادبی به حساب نمی‌آیند.

### ۲-۱. ضرورت انجام پژوهش

در کتب قدیمی بلاغت، وجه‌شبه را به گونه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند: حسی/عقلی، حقیقی/خیالی، تمثیلی/غیرتمثیلی و غیره؛ اما چگونگی ارتباط میان وجه‌شبه خیالی و دو سوی اصلی تشبیه آن‌گونه که باید، مورد توجه قرار نگرفته است. بی‌تردید ارزیابی مدقانه دو منظومه ویس و رامین نظامی و خسرو و شیرین گرگانی، با توجه به سبک خاص به‌کار گرفته‌شده توسط آفرینندگان آن‌ها در شیوه روایی آثارشان، می‌تواند گره‌گشای ابهامات بسیاری گردد و نواندیشان و پژوهشگران آتی با الگوگیری از پژوهش حاضر، قادر خواهند بود تا دیگر آثار ارزشمند ادب فارسی را مورد تقابل و سنجش قرار دهند.

زبان ادبی، دستگاه بلاغی است که می‌توان چگونگی روند آفرینش ادبی یک اثر را در آن ملاحظه نمود، زیرا به نظر می‌رسد نخستین دگرگونی‌های سبکی، در دستگاه بلاغی روی می‌دهد. دستگاه بلاغی «شامل همه تصاویر و تزئینات بدیعی و بیانی است» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲) که باید اساسی‌ترین رکن این دستگاه را تشبیه دانست و سایر اجزای دستگاه مانند استعاره، تشخیص و حتی کنایه، از آن ناشی می‌شوند. با بررسی ساختار تشبیه به صورت موشکافانه و دقیق‌تر، می‌توان تحولات سبکی دستگاه بلاغی را نشان داد (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۴: ۸۵).

همان‌گونه که پیش ازین گفته‌آمد، وجه‌شبه مهم‌ترین بخش در چارچوب ساختاری تشبیه است که «بیان‌گر سرشاری تجربه شاعر از محیط و وسعت تخیل اوست» (پورنامداریان و ماحوزی، ۱۳۸۷: ۴۲). در ادامه به مرتبه و ماهیت آن، پرداخته می‌شود.

## ۲-۱. جایگاه و کیفیت وجه‌شبه

مبنای تشبیه، آن‌گونه که از عنوان آن پیداست، شباهتی است که به شکل واقعی یا خیالی، میان دو چیز (مشبه و مشبه‌به) برقرار است و این رکن مهم، «وجه‌شبه» نام دارد که به گفته سیروس شمیسا، «وجه شبه مهم‌ترین بحث ایماژ است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۸). در حقیقت، هدف از تشبیه و همانندی دو شیء، مقایسه و کشف یادآوری شباهت یا شباهت‌هایی میان آن دو است که «این کشف، حاصل دقت و ذوق و قریحه شاعر یا نویسنده است» (میرصادقی، ۱۳۷۲: ۸۳).

نوآوری در مشبه و وجه‌شبه، از اهمیت بسیاری برخوردار است و در غیر این صورت، استفاده از تشبیهات تکراری، موجب خودکارشدگی زبان و تبدیل آن به زبان عادی - و نه ادبی - می‌شود؛ از این ویژگی با عنوان «نوکردن تشبیه» یاد می‌شود.

شمیسا معتقد است: «فقط آوردن مشبه‌به‌های تازه و نو، زبان ادب را در دستگاه بلاغی برجسته می‌نماید. همچنین باعث می‌شود در محور همنشینی تشبیه، میزان حدس مخاطب تقلیل پیدا کند یا در برخی موارد به صفر برسد و اگر مشبه‌به کاملاً خلاف انتظار مخاطب باشد، به قول مایکل ریفاتر (Michael Riffaterre)، این خلاف انتظار انگیزه سبکی محسوب می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۳). علمای بلاغت نیز در قدیم، تشبیه را مشابهت دو چیز در صفتی دانسته‌اند (نک. وطواط، ۱۳۶۲: ۱۴۴؛ رادویانی، ۱۳۶۱: ۶۷). زرین‌کوب نیز معتقد است لطف تشبیه در غرابت و دوری‌اش از ابتدال است؛ به‌ویژه این‌که وجه‌شبه امری باشد که زود به خاطر مخاطب نرسد و تا حدی پنهان و پوشیده باشد و ذهن شنونده به کمک پویه و تقلای ذهن تلاش کند تا آن را به دست بیاورد (نک. زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ۵۶).

یکی دیگر از نکاتی که موجب هنری شدن تشبیه می‌شود، عدم ذکر وجه‌شبه است؛ تشبیهاتی که وجه‌شبه آن‌ها ذکر نشده یا با وجود وجه‌شبه، ابهامی در آن‌هاست، منجر به دخالت خواننده و مخاطب می‌گردد. به نقل از رولان بارت، این نوع متون، خواننده را به تولید کننده متن تبدیل می‌کند (نک. بلزی، ۱۳۷۹: ۱۶۴). شفیع کدکنی نیز بر این عقیده است که بهترین نوع تشبیه، تشبیهی است که صفات مشترک میان مشبه و مشبه‌به بیشتر باشد (نک. شفیع کدکنی، ۱۳۷۸: ۵۶). از منظری دیگر، وجه‌شبه ممکن است خیالی یا واقعی باشد؛ خیالی بودن وجه‌شبه معمولاً با معقول بودن مشبه یا مشبه‌به ارتباط مستقیم دارد. اصل در وجه‌شبه، محسوس بودن است، زیرا غرض از تشبیه، آشکار شدن جنبه‌های ناشناخته و فهم مطلب است؛ «هنگامی که وجه شبه محسوس باشد، تشبیه مخیل‌تر و هنری‌تر است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۶۳). برای مثال در تشبیه «روی به ماه»، از

تصویر می‌کند و نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده، به وجود می‌آورد» (داد، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

تشبیهات دوره اول ادب فارسی (دوره خراسانی)، به دلیل غلبه محسوس بودن طرفین تشبیه، تصاویری ثابت از دو چیز مشابه را نشان می‌دهد؛ این تصویر می‌تواند نشان دادن زیبایی یک شیء یا یک هیأت باشد. اما گاهی تصاویر ایجاد شده ثابت نیستند؛ در این‌گونه تشبیهات وجه‌شبه دائمی نیست، بلکه وجوه شباهت به لحظاتی محدود می‌شود که کاری در حال انجام است؛ برای مثال می‌توان لرزیدن بدن آهوی وحشت‌زده را به لرزیدن شاخه‌های بید شبیه دانست. این تصویر، فیلمی متحرک را نشان می‌دهد که برای لحظاتی ادامه دارد و بعد محو می‌شود. این نوع تشبیهات را که اغلب با واژه فعلی همراه هستند، می‌توان «تشبیهات کارکردی» نامید. از منظر دیدگاه بروک-رُز، (برای مثال) در تشبیه عشق به آتش، منظور کارکرد آتش‌گونه عشق مطرح است و نه شکل ظاهری آن. در مثال بروک-رُز، امری معقول به شیء محسوس تشبیه شده است که از نظر ظاهری، تشابهی بین آن‌ها نیست اما با در نظر گرفتن سوزندگی آتش، کارکرد عشق مشخص می‌شود. در مثال «آهو و بید» نیز اگر چه هر دو سوی تشبیه اموری محسوس هستند، باوجود این تشبیه به علت وجود فعل، کارکردی شده است (پورنامداریان و ماحوزی، ۱۳۸۷: ۴۴).

در اسرار الابلاغه جرجانی (۴۰۵-۴۷۴ه.ق.)، تقسیم وجه‌شبه به دو بخش «حسی و عقلی» است: (۱) وجه‌شبه حسی، وجه‌شبهی است که با یکی از حواس پنج‌گانه درک می‌شود؛ مانند تشبیه پوست به پرنیان از نظر نرمی؛ (۲) وجه‌شبه عقلی نیز وجه‌شبهی است که با حواس پنج‌گانه قابل ادراک نیست؛ مانند تشبیه پیامبران به خورشید از نظر هدایت (نک. جرجانی، ۱۳۶۱: ۲۱۷). نکته قابل تأمل در این میان، این است

منظر گوینده، «زیبایی» به‌عنوان وجه اشتراک طرفین تشبیه جلوه کرده است که امری محسوس و به کمک قوه بینایی، قابل درک است، اما در تشبیه «دل به سنگ»، وجه‌شبه اگر چه سختی و غیرقابل نفوذ بودن است و این ویژگی را در مشبه‌به به‌طور محسوس می‌توان دید، اما در مشبه جنبه انتزاعی و خیالی دارد و به کمک حواس پنجگانه قابل لمس نیست.

بر اساس آمار پژوهش روح‌الله هادی و زینب نصیری (نک. ۱۳۹۲: ۱۲۸ و ۱۲۹)، از مجموع ۱۰۰۵ تشبیه نظامی در خسرو و شیرین، ۴۴۲ مورد (۴۴ درصد) همراه با وجه‌شبه ذکر شده و در ۲۰۲ مورد (۲۰/۵ درصد)، وجه‌شبه ذکر نشده است. فخرالدین اسعد نیز در مجموع ۱۲۶۰ تشبیه در ویس و رامین آورده که در ۳۸۲ مورد (۳۰/۵ درصد)، وجه‌شبه ذکر شده و در ۳۳۵ مورد (۲۷ درصد) وجه‌شبه ذکر نشده است که حاکی از مخیل و هنری بودن تشبیهات وی و قدرت خیال‌انگیزی این شاعر تواناست و در مقابل، نظامی در خسرو و شیرین، ۲۰/۵ درصد از کل تشبیهات خود را بدون ذکر وجه‌شبه آورده است.

## ۲-۲. نظریه کریستین فرانسیس بروک-رُز؛ وجه شبه تصویری و کارکردی (functional)

تشبیه، هسته مرکزی تخیلات شاعرانه است و شاید به همین دلیل است که ابن رشیق قیروانی، اساس و بنای شعر را تشبیهی خوش یا استعاره‌ای دلکش می‌داند: «شعر چیزی است که مشتمل بر تشبیهی خوش یا استعاره‌ای دلکش باشد و در ماسوای آن‌ها گوینده را فصل و وزنی خواهد بود و بس» (به نقل از: شفیع کدکنی، ۱۳۷۲: ۷). هم‌چنین از تشبیه به‌عنوان «صورخیال» نیز نام برده می‌شود. در فرهنگ اصطلاحات ادبی، «خیال و تصویر در برابر imagery/image به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی‌ای اطلاق می‌شود که گوینده با کلمات

آن‌ها رابطهٔ محتمل را به خیالی (تشخیص-رمز) تبدیل نموده و مورد دیگری با عنوان «غیرممکن بودن وجه شبه» به آن افزوده‌اند؛ به این ترتیب، یک ردیف و یک ستون به این جدول اضافه شده و تعداد خانه‌ها به ۱۶ خانه رسیده است.

با بررسی ای اجمالی می‌توان اذعان داشت که این تقسیم‌بندی، کامل‌تر و قابل قبول‌تر است، زیرا در بررسی تشبیهات، مواردی وجود دارد که وجه شبه به‌طور کلی رابطه‌ای با مشبه ندارد و چنین صفت یا ویژگی‌ای در آن غیرممکن است و در هیچ خانه‌ای جای نمی‌گیرد که با اصلاح این جدول به شکل ذیل، این مشکل مرتفع می‌شود.

جدول (۲): رابطهٔ وجه شبه با مشبه و مشبه به از نظر گوتلی (با الحاقات پورنامداریان و ماحوزی)

رابطهٔ وجه شبه با مشبه به				رابطهٔ وجه شبه با مشبه	ردیف
Q	Z	Y	X		
۴	۳	۲	۱	ضروری	A
۸	۷	۶	۵	مورد انتظار	B
۱۲	۱۱	۱۰	۹	محتمل (ممکن)	C
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	غیرممکن	D

### ۳. بحث و بررسی

در این بخش از پژوهش، نخست به بسامد به‌کارگیری وجه شبه‌های تصویری و کارکردی در دو اثر ویس و رامین و خسرو و شیرین از دریچهٔ رویکرد نظری بروک-رز پرداخته و در ادامه رابطهٔ وجه شبه با طرفین تشبیه در دو اثر مورد بحث، مورد بررسی و مطابقت قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. مقایسهٔ وجه شبه تصویری و کارکردی بر

##### اساس نظریهٔ کریستین بروک-رز

#### ۳-۱-۱. مقایسهٔ وجه شبه تصویری و کارکردی در

##### منظومهٔ ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

در اشعار دورهٔ خراسانی و ابتدای دورهٔ عراقی، وجه شبه تصویری نمود بیشتری دارد و هر چه به سمت جلو حرکت می‌کنیم، تصاویر نیز دارای تحرک

که در مثال اول، حس لامسه تشخیص دهندهٔ وجه شبه یعنی لطافت است و در مثال دوم، وجه شبه گونهٔ «کارکردی» دارد؛ یعنی پیامبران کاری شبیه خورشید دارند و آن هدایت است، در حالی که در تشبیه اول، فقط حواس دخیل بودند. بروک-رز ضمن اشاره به این دو نوع، تشبیه کارکردی را به‌ویژه در تشبیه‌های فشرده، برتر می‌داند (Brook-rose, 1998: 69).

#### ۳-۲. نظریهٔ آندره گوتلی؛ رابطهٔ وجه شبه با

##### طرفین تشبیه

آندره گوتلی در کتاب خود با عنوان *زبان استعاره‌ها (The Language of Metaphor)* به مسئلهٔ رابطهٔ وجه شبه با طرفین تشبیه پرداخته و توضیح داده است که وجه شبه از سه طریق می‌تواند با مشبه و مشبه به ارتباط برقرار کند: «ضروری»، «مورد انتظار» و «محتمل». وی در این رابطه جدولی طراحی کرده و این روابط را به شکل اعداد در خانه‌ها نشان داده است.

جدول (۱): رابطهٔ وجه شبه با مشبه و مشبه به از نظر گوتلی

ردیف	رابطهٔ وجه شبه با مشبه	رابطهٔ وجه شبه با مشبه به		
		Z	Y	X
A	ضروری	۳	۲	۱
B	مورد انتظار	۶	۵	۴
C	محتمل	۹	۸	۷

در جدول گوتلی، سه حالت کلی در ارتباط میان وجه شبه با مشبه و مشبه به ذکر می‌شود:

۱) ضروری بودن وجه شبه برای هریک از طرفین: مانند روشنی برای خورشید در تشبیه صورت به خورشید؛ ۲) مورد انتظار بودن وجه شبه: مانند میوه داشتن برای درخت در تشبیه انسان به درخت؛ ۳) محتمل بودن وجه شبه: مانند برهنه بودن برای مکان سرودخوانی در تشبیه شاخه‌ها به آن (Goatly, 1998: 230-231).

پورنامداریان و ماحوزی (۱۳۸۷) در مقالهٔ خود با عنوان «بررسی وجه شبه در کلیات شمس»، ضمن رسم جدول گوتلی، تغییراتی در آن ایجاد کردند.

وجه‌شبه کارکردی در ویس و رامین تنها ۳۲ درصد از تشبیهات را از آن خود کرده‌است. در این نوع تشبیهات، حرکت و جنبش و فعالیت دیده می‌شود و شباهت مشبّه و مشبّه‌به، دائمی و مانا نیست؛ در همه ابیات، افعال اصلی به‌کاررفته و انجام کاری را نشان می‌دهد. نسبت این تشبیه با تشبیهات قبلی، همانند تفاوت عکس و فیلم است: همی گفتی که شاه آمد ز ناگاه

چو شیر تند جسته از کمین‌گاه

(همان: ۱۹۳)

در شاهد مثال بالا، در ظاهر گویا شاه به شیر تشبیه شده، اما در اصل «نحوه آمدن ناگهانی شاه» به «شیری که به ناگاه از کمین‌گاه می‌جهد» تشبیه شده‌است و این تصویر، به‌طورکلی شدت و حدت حرکت شاه را نشان می‌دهد؛ یعنی متضمن حالت فعل است نه تصویر نقاشی ثابت.

تصویر «در گل افکندن» به دلیل وجود فعلت در آن، نشانگر عملی است که گویا به یک‌باره انجام می‌شود. اگر از فعل «در گل ماندن» استفاده می‌شد، تصویر ثابت و مسکوت بود، اما مصدر افکندن، سیالی و تحرک را به ذهن متبادر می‌کند.

تصویر ذهنی «فرورفتن تیغ در زره و تیر در چشم»، لحظه‌ای و آنی است، هم‌چنان که «چین و شکن روی آب» را نمی‌توان ثابت تصویر کرد. فعل «شد»، در جایگاه فعل اصلی و به معنای «رفتن» به‌کار رفته‌است.

### ۳-۱-۲. مقایسه وجه‌شبه تصویری و کارکردی

#### در خسرو و شیرین نظامی گنجوی

خسرو و شیرین در قیاس با ویس و رامین، چه از حیث زمانی و چه از حیث کلامی، به سبک عراقی نزدیک‌تر شده‌است. به عقیده یان ریپکا و همکارانش، نظامی گرچه مقلد پیشینیان خود از جمله فخرالدین اسعد گرگانی بوده، اما بر همه

بیشتری شده و شکل کارکردی به خود می‌گیرند.

بسامد کاربرد تشبیهات تصویری نسبت به تشبیهات کارکردی در ویس و رامین ۶۸ درصد است که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

زالاله هر کسی را بر سر افسر

ز باده هر یکی را بر کف اخگر

(گرگانی، ۱۳۸۱: ۳۵)

تشبیهات سبک خراسانی بیشتر از طبیعت مایه گرفته‌است؛ اگر چه فروزانفر به حق، معتقد است که فخرالدین اسعد در تشبیهات، تابع شعرای خراسان نبوده و تشبیهاتی دارد که مسبوق به سابقه نیست (نک. فروزانفر، ۱۳۵۴: ۲۶۴). در شاهد تصویری بالا، انسانی را باید در نظر بگیریم که روی سرش تاج سرخی قرار گرفته و در دستش جام شرابی سرخ دارد. این تصویر ثابت است و تحرکی در آن دیده نمی‌شود. حذف فعل، نشانه فعل مستتر ربطی است و افعال ربطی، نمایانگر انجام عملی نیستند و در اینجا، مخاطب تنها زیبایی آشکارا در حالت و رنگ را مشاهده می‌کند.

ده انگشتش چو ده ماسوله عاج

به سر بر هر یکی را فندقی تاج

(همان: ۴۴)

تصویر فوق تابلوی انگشتانی ظریف، سپید و کشیده با ناخن‌های فندقی رنگ است و آن‌گونه که در ابیات بعد هم مشاهده می‌شود، هیچ نوع فعل اصلی وجود ندارد و ابیات مانند پرده نقاشی، می‌خواهند چیزی را به ما نشان بدهند.

و نیز:

زمین از رنگ چون باغ بهاری

فروزان همچو لاله رودباری

(همان: ۶۱)

مه و خورشید هر دو رخ نهفته

به‌سان عاشق و معشوق خفته

(همان: ۲۸۴)

مثنوی‌هایش مَهر قریحه خود را زده‌است (نک).  
ریپکا و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹۹ و ۳۰۰). صفا نیز  
معتقد است: «نظامی تنها شاعری است که تا قرن  
ششم توانست شعر تمثیلی را در زبان فارسی به  
حدّ اعلای تکامل برساند» (صفا، ۱۳۹۰: ۳۱۸).

نسبت وجه‌شبه تصویری به کارکردی در  
منظومه نظامی، تفاوت اندکی با ویس و رامین دارد.  
در این داستان، از ۶۲ درصد وجه‌شبه تصویری  
استفاده شده که در قیاس با سروده گرگانی، به  
تناسب کمتر از آن است:

تو گویی بینی‌اش تیغی است از سیم

که کرد آن تیغ، سیبی را به دو نیم

(نظامی، ۱۳۸۶: ۵۱)

در توصیف چهره شیرین داستان، بینی باریک او  
به تیغ نقره‌ای تشبیه شده که در میانه یک سیب  
سرخ‌رنگ قرار دارد. این نقاشی، تصویری ثابت است  
که بی هیچ حرکت و تغییری در ذهن نقش می‌بندد.

همه چشمه ز جسم آن گل اندام

گل بادام و در گل، مغز بادام

(همان: ۸۱)

در بیت بالا، اندام شیرین در چشمه آب، به مغز  
بادام در درون گل بادام تشبیه شده که بیانگر  
تشبیهی مرکب است. در این تشبیه فعل ربطی  
حذف شده اما تصویر هم‌چنان ثابت است.

در شاهدمثال بعدی نیز همین رویه حاکم است؛  
ارکان تشبیه ساکن و ثابت هستند و عملی روی  
نداده‌است. گویی شاعر در ذهن خود آن‌ها را نقش  
زده و با جادوی کلمات بر روی کاغذ و به تبع آن  
بر صفحه ذهن مخاطب، می‌نگارد:

عروسان ریاحین دست بر روی

شگرفان شکوفه، شانه در موی

(همان: ۱۲۶)

بسامد تشبیهات کارکردی در خسرو و شیرین  
۳۸درصد و بیش از ویس و رامین است. این آمار،

نشان‌دهنده تحرک و پویایی بیشتر در صورخیال کلام  
نظامی است. به قولی «زبان نظامی، زبانی کاملاً  
تصویری و کنایی است و منطق نثری بر آن حاکم  
نیست، بلکه مطالب را در طی تشبیه و استعاره و  
کنایه، به نمایش می‌گذارد» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۶۰).

فصیحی کاو سخن چون آب گفتی

سخن با او به اسطرلاب گفتی

(نظامی، ۱۳۸۶: ۴۱)

ویژگی آب، زلالیت روان بودن آن است. سخن  
نیز مثل آب هر دو ویژگی را می‌تواند داشته‌باشد.  
زالال بودن صفتی ثابت است، اما سیالیت (روان)  
بودن، نمودار پویایی و حرکت است. در این بیت،  
حالت سخن گفتن در نظر آورده می‌شود و چون  
سخن گفتن به‌عنوان مشبّه‌به ثابت نیست، آب نیز به  
شکل رودی روان در نظر می‌آید و تصویری  
محرک به‌وجود می‌آورد.

در آب انداخته از گیسوان شست

نه ماهی، بلکه ماه آورده در دست

(همان: ۷۸)

حالت در آب انداختن گیسو در آب می‌تواند  
ثابت باشد. حرکت بدن شیرین در آب امواجی  
ایجاد می‌کند که گیسوان را حرکت می‌دهد و صید  
و ماه و ماهی نیز تداعی‌گر حرکتی پویا است. از  
دیگرسو صفت گیسو، آشفتگی و عدم ثبوت است.

دوش گیسوی تو را ریخته دیدم بر دوش

خاطر آشفته‌ام امشب زپیشانی دوش شهریار

(بهجت تبریزی، ۱۳۹۴: ۷۸/۲)

هم‌چنین:

به چنگ آورده‌ام گیسوی معشوق خیالی را

خدا از ما نگیرد نعمت آشفته‌حالی را

(نظری، ۱۳۹۰: ۹۶)

در شاهدمثال بعدی نیز، بیرون آمدن شیرین از  
چشمه آب و لباس پوشیدن و بر اسب سوار شدن  
او، به‌دلیل سرعت عملش به کردار پری تشبیه



### ۳-۲-۱. بررسی رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه در ویس و رامین گرگانی

با توجه به جدول (۳) که در ادامه آمده است، از ۱۶ خانه جدول گوتلی، ۷ خانه خالی مانده و تنها در ۹ خانه تشبیهات جای دارند. بیشترین خانه خالی مربوط به ردیف D و Q بوده و بیشترین تشبیهات، در ردیف X قرار گرفته‌اند. آمارها نشان می‌دهد وجه‌شبه در مشبّه‌به، در ۷۸ درصد موارد، صفتی ذاتی و غیرقابل‌تغییر است و در ۱۰ درصد موارد، قابل انتظار و در ۱۲ درصد موارد، خیالی است. هم‌چنین وجه‌شبه در مشبّه، ۴۲ درصد موارد مورد انتظار، ۱۴ درصد موارد ضروری، ۲۱ درصد موارد خیالی و ۱ درصد از موارد، غیرممکن است؛ در نتیجه تشبیهات ویس و رامین در اغلب موارد مطابق با منطق تشبیه بوده و مشبّه‌به‌ها محسوس و قابل‌درک‌تر از مشبّه هستند.

به رزم‌اندر چو درزی بود زوین  
همی جنگاوران را دوخت بر زین  
(گرگانی، ۱۳۸۱: ۶۵)

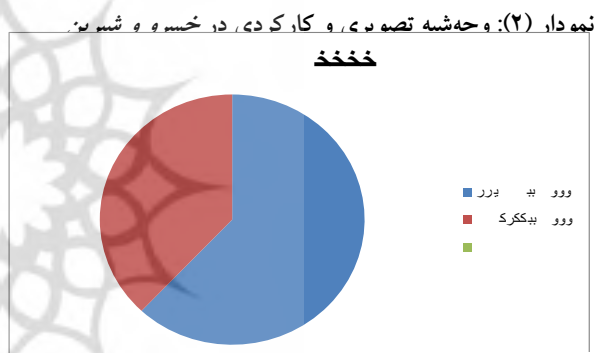
در این شاهدمثال، عملکرد زوین در صحنه مبارزه مورد نظر است که در این‌صورت، تشبیه کارکردی است. زوین در میدان نبرد در حالی که بدن جنگاور و زین اسب را با هم سوراخ کرده و به هم می‌دوزد، به خیاطی چیره‌دست تشبیه شده است.

چو شاخ مورد بر وی برگ گلنار  
چو برگ نار بر وی دانه نار  
(همان: ۶۵)

در بیت بعدی، هیأت زوین و خونی که بر آن چکیده است، به تصاویری از شاخه درخت مورد و برگ گلنار یا برگ انار و دانه انار تشبیه شده‌است که به کلی، رنگ سرخ را بر روی صفحه سبزرنگ برگ نشان می‌دهد. در این تشبیهات وجه‌شبه ذاتی طرفین تشبیه نیست، بلکه مورد انتظار است و تشبیه در خانه پنجم جدول قرار می‌گیرد.

شده‌است. این فعل مرکب و هیأت انتزاعی ترکیبی، به همراه قید «تیز»، سریع بودن عمل و حالت او را نشان می‌دهد.

برون آمد پری رُخ چون پری، تیز  
قبا پوشید و شد بر پشت شب‌دیز  
(نظامی، ۱۳۸۶: ۸۳)



### ۳-۲. بررسی رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه براساس نظریه آندره گوتلی

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، در نظریه گوتلی، وجه‌شبه نسبت به مشبّه و مشبّه‌به سه رویکرد دارد: ضروری، مورد انتظار و محتمل (ممکن/خیالی) که در این پژوهش، نسبت «غیرممکن» نیز به آن افزوده‌شد؛ در نتیجه این پژوهش با ۱۶ نوع تشبیه مواجه‌است که در خانه‌های جدول گوتلی تعداد آن‌ها آمده و بر اساس بسامد هر خانه، می‌توان تعیین کرد که بسامد خیال‌انگیزی و سادگی تشبیهات، در چه حد و میزانی است. آنچه در این نظریه مطرح می‌شود، تفاوت و تشابه مشبّه و مشبّه‌به در نسبت با وجه‌شبه است که با محسوس و معقول نیز در ارتباط است.

چو شاه زنگ بودش جعدپوشان

دو رخ پیشش چو دو شمع فروزان

(همان: ۴۸)

تشبیه بیت بالا در توصیف جعد است؛ در ادب فارسی معشوق همواره دارای موی سیاه پیچ در پیچ بوده و دامی بر سر راه عاشق است. در فرهنگ اشارات آمده است: «زلف معشوق مجعد است و به زره و زنجیر تشبیه می شود» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۵۹۳). زلف پر پیچ و تاب تیره فام معشوق به پادشاه زنگیان تیره پوست (شاه سیاهان در مقابل رومیان روشن پوست) تشبیه شده که چهره روشن و درخشان معشوق در برابر موی سیاهش، درست مانند شمعی درخشانده و تابان است.

چو ابر تیره زلف تابدارش

به ابر اندر چو زهره گوشوارش

(گرگانی، ۱۳۸۱: ۴۸)

در شاهد بالا، زلف معشوق به ابری مانند شده که از نظر ظاهری، ابر سیاه شکن در شکن مورد نظر است؛ از آن سو گوشواره ویس در میان زلف، به سان ستاره زهره در میان ابر تیره است. وجوه شباهت زمانی که بر رنگ دلالت می کند، اغلب ضروری است؛ سیاهی را از زلف و زنگیان و ابر سیاه نمی توان جدا کرد. با تصور هیأت ظاهری این تشبیه، می توان وجوه شباهت را از یک سنخ دانست. در تشبیه گوشواره به ستاره زهره نیز وجه شبه درخشندگی است که از زیر ابر یا از زیر موهای تیره، نمایان است. صفت درخشندگی برای هر دو ضروری است و این تشبیه، در خانه اول گوتلی قرار می گیرد.

تش همچون قصب خیزران گشت

به رنگ و گونه هم چون زعفران گشت

(همان: ۸۵)

در تشبیه تن به خیزران و روی به زعفران، وجه شبه در رابطه با مشبه، محتمل و در رابطه با

مشبه به، ضروری است؛ بنابراین هر دو تشبیه در خانه پنجم جدول جای می گیرند.

مه و خورشید هر دو رخ نهفته

به سان عاشق و معشوق خفته

(همان: ۷۸)

خیالی بودن وجه شبه هنگامی که طرفین تشبیه محسوس هستند، کمتر اتفاق می افتد. از میان ۱۰۰ تشبیهی که در این پژوهش انتخاب شد، تنها یک مورد یافت شد که وجه شبه، نیاز به تأویل دارد و شکل ظاهری آن، مطابقتی با طرفین تشبیه ندارد.

در این بیت، ماه و خورشید به دو انسان خفته یا بهتر است بگوییم عاشق و معشوقی که در کنار و آغوش هم خوابیده اند، تشبیه شده است. وجه شبه، رخ نهفتن ذکر شده که از طرف مشبه به دلیل این که ذی شعور نیستند، نمی تواند باورپذیر باشد و در نتیجه تخیلی است؛ از سمت مشبه به نیز به دلیل این که خفتن عاشق و معشوق مستلزم روی پنهان کردن است، قابل تأویل است. در اینجا نمی توان حکم قطعی بر خیالی بودن وجه شبه را برای مشبه صادر کرد، اما در این مورد، از میان چهار وضعیت: ضروری، مورد انتظار، محتمل و غیرممکن، می توان وضعیت مورد انتظار را برای عاشق و معشوق خفته در نظر گرفت نه ضروری بودن را. در مورد ماه و خورشید نیز نهفته بودن روی شان در اصل غیرممکن است، مگر این که تصور کنیم برای بخشی از ساکنان زمین، قابل دیدن نیستند؛ به این ترتیب، می توان گفت وجه شبه تخیلی، ارتباط تنگاتنگی با استعاره دارد. در هر روی، اگر واقعیت را در نظر بگیریم، این تشبیه در خانه چهاردهم جدول قرار می گیرد و اگر نهفته بودن را برای مشبه با کاربردی استعاره بپذیریم، در خانه دهم جای دارد.

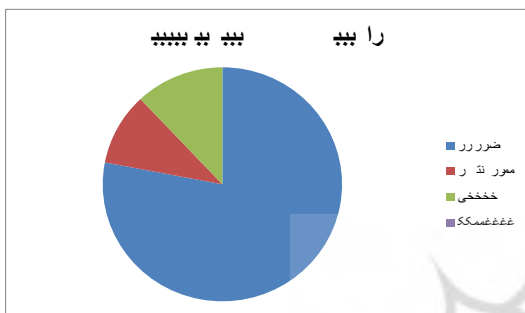
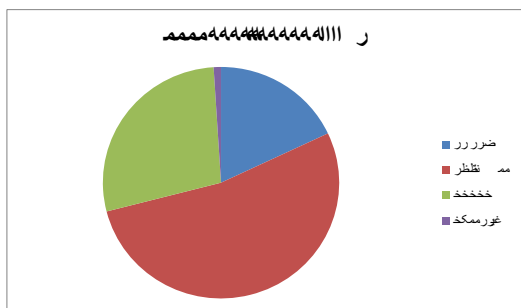
سیه چون آند و نازان چو امید

فروشته چو پرده پیش خورشید

(همان: ۷۷)

نمودار (۳): رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه در منظومه

ویس و رامین



۳-۲-۲. بررسی رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه

در خسرو و شیرین نظامی

در جایگاه بررسی رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه در منظومه نظامی، از ۱۶ خانه جدول گوتلی، تنها ۶ خانه تکمیل شد و ۱۰ خانه خالی مانده است. ردیف‌های Z و Q کاملاً خالی مانده و دو ردیف A و D نیز تنها یک خانه پُر شده دارند.

در ادامه بحث، جدول (۴) نشان‌گر آن است که در ۹۳ درصد موارد، وجه شبه ضروری بوده و تنها در ۷ درصد موارد، قابل پیش‌بینی و مورد انتظارند؛ وجه‌شبه خیالی و غیرممکن نیز وجود ندارد. هم‌چنین در ۲۰ درصد از موارد، وجه‌شبه نسبت به مشبه ضروری، در ۴۰ درصد مورد انتظار، در ۲۸ درصد خیالی و در ۴ درصد از موارد، غیرممکن است.

شه از دیدار آن بلور دلکش

شده خورشید یعنی دل پُر آتش

(نظامی، ۱۳۸۶: ۸۱)

گاهی با وجود حسّی بودن طرفین تشبیه، ویژگی‌ای که به آن دو نسبت داده می‌شود، ذهنی

تشبیه شب به اندوه و امید که هر دو اموری انتزاعی‌اند و با دو صفت متضاد شناخته می‌شوند، تصویری خیال‌انگیز است. وجه‌شبه در مورد اندوه، سیاهی است؛ نسبت دادن صفت سیاهی به اندوه از منظر ظاهری غیرممکن است اما به دلیل این‌که رنگ سیاه از نظر روانی یادآور ماتم و عزاست، چنین تصویری ایجاد شده است. در ادامه، نازان بودن برای شب و امید، امری تخیلی است. شب از جهت دیرپا بودن و دیرگذشتن و امید از جهت دیرآمدن، نازان خوانده شده‌اند که برای هر دو، حکم استعاره دارد. وجه‌شبه برای شب ضروری، ولی برای اندوه، خیالی است. دیرپا بودن برای شب و امید محتمل است و فروهشته بودن برای پرده، ضروری است اما در مورد شب واقعیت ندارد و خیالی است؛ در نتیجه ۳ تشبیه در خانه‌های سوم، یازدهم و نهم قرار می‌گیرند.

نشسته ویس چون خورشید بر تخت

هم از خوبی به آزادی هم از بخت

(همان: ۲۱۱)

تشبیه ویس به خورشید می‌تواند از جهت زیبایی و شکوه باشد؛ در این صورت، وجوه شباهت واقعی هستند اما اگر بر تخت نشستن مورد نظر باشد، تخیل شاعر را در تصویرگری آسمان به‌عنوان تخت و خورشید به‌عنوان شاه باید دخیل بدانیم که در این صورت، وجهی استعاری پیدا کرده و از واقعیت فاصله می‌گیرد.

جدول (۳): رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه در منظومه

ویس و رامین

رابطه وجه‌شبه با مشبه‌به				رابطه وجه شبه با مشبه	
Q	Z	Y	X		
۰	۴	۰	۱۴	ضروری	A
۰	۷	۴	۴۲	مورد انتظار	B
۰	۱	۶	۲۱	خیالی	C
۰	۰	۰	۱	غیرممکن	D

است. در تشبیه بالا، وجه شبه پُر آتش بودن دل و اندرون است. این ویژگی نه در شاه وجود دارد و نه در خورشید، مگر این که حالت را استعاره در نظر گرفته یا دل را به درون تعبیر کرد؛ بنابراین، صفت آتشین بودن، ضروری خورشید اما برای دل، امری غیرممکن است و ازین رو، تشبیه در خانه سیزدهم قرار می گیرد.

کشیده قامتی چون نخل سیمین

دو زنگی بر سر نخلش رطب چین

(همان: ۵۰)

تشبیه قامت و اندام سفید معشوق به نخلی سیمین، از جهت بلندی واقعیت دارد ولی در ادامه قامت به نخلی تشبیه شده که دو زنگی سیاه پوست بر روی آن در حال رطب چینی هستند. در این تشبیه مرکب، باید دو زلف بافته شده معشوق را به دو زنگی تشبیه کنیم تا با استعاره ای مواجه شویم که تخیلی است. در بررسی مفردات تشبیه، وجه شبه، کشیدگی و راست قامتی است که برای انسان مورد انتظار و برای نخل، ضروری است. در تشبیه گیسوان به زنگی نیز سیاهی مورد نظر است که برای زنگی ضروری و برای گیسو باتوجه به فرهنگ زمانه، مورد انتظار است؛ در نتیجه، هر دو تشبیه در خانه پنجم قرار می گیرند.

سهی سروش چو شاخ گل خمیده

چو گل صدجای پیراهن دریده

(همان: ۲۲۲)

در بیت بالا، گل دارای پیراهن پاره است، در حالی که پیراهن دریده داشتن، برای آن قابل تصور نیست و شکل ظاهری گل، به خودی خود دارای گلبرگ های جداگانه است؛ پس این تصویر از سوئی با شکل گل تناسب دارد ولی از نظر کاربرد واژگانی، قابل توجیه عقلی نیست. تشبیه قد بلند به شاخ خمیده گل نیز از نظر حزن و اندوه و شکست خوردگی است که این خمیدگی برای هر

دو طرف تشبیه قابل انتظار است و در تشبیه دوم هم بر اساس قضاوت ظاهری، دریدگی پیراهن برای فرهاد قابل انتظار و چندپاره بودن گل، ضروری و ذاتی است؛ این دو تشبیه نیز در خانه های پنجم و ششم جای می گیرند.

اگر حور بهشتی هست مشهور

بهشت است آن طرف، آن لعبتان حور

(همان: ۵۳)

زمانی که در یک تشبیه، وجه شبه زیبایی باشد، حتی اگر مشبه به از امور انتزاعی و خیالی باشد، وجه شبه واقعی است و نحوه زیبایی اهمیت نمی دارد. زیبایی امری نسبی است و در تشبیه به حور یا بهشت، مطلق زیبایی بدون در نظر گرفتن شکل و شمایل ظاهری، مدنظر است؛ بنابراین، هر مکان زیبایی می تواند به بهشت و هر شخص زیبایی به حور تشبیه شود. این گونه تشبیهات در خانه اول جدول گوتلی قرار می گیرند و ارزش چندانی ندارند.

جز این چاره ندید آن چشمه قند

که گیسو را چو شب بر مه پراکند

(همان: ۸۲)

به تعبیر جلال الدین همایی (نک. ۱۳۶۸: ۲۳۳ و ۲۳۴) اگر اجزا و موارد مشبه به به تنهایی موجود باشد اما ترکیب نهان وجود نداشته باشد، آن را تشبیه خیالی می گویند. در شاهد مثال بالا، چشمه قند در جهان وجود ندارد، اما مفردات آن موجود است. با این وصف، وجه شبه در این تشبیه شیرینی فراوان است که برای مشبه مفهومی انتزاعی محسوب می شود و با شیرینی از نظر طعم متفاوت است؛ در نتیجه وجه شبه برای مشبه غیرممکن است و طبیعتاً این تشبیه در خانه سیزدهم قرار دارد.

چو شیرین گوش کرد آن پند چون نوش

نهاد آن پند را چون حلقه بر گوش

(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

تصور حلقه بر گوش کردن، با تصور پند در

بررسی چِستی و چرایی وجه‌شبه و کیفیت تعامل آن با طرفین تشبیه براساس آراء بروک-رُز و گوتلی ۴۱

گوش کردن یکی نیست چرا که اولی محسوس و مشبه خیالی و نسبت به مشبه‌به، مورد انتظار است  
دومی معقول است؛ از این رو وجه‌شبه نسبت به و این تشبیه در خانه دهم قرار می‌گیرد.

جدول (۴): رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه در منظومه خسرو و شیرین

رابطه وجه‌شبه با مشبه‌به				رابطه وجه شبه با مشبه	
Q	Z	Y	X		
۰	۰	۰	۲۰	ضروری	A
۰	۰	۴	۴۰	موردانتظار	B
۰	۰	۴	۲۸	خیالی	C
۰	۰	۰	۴	غیرممکن	D

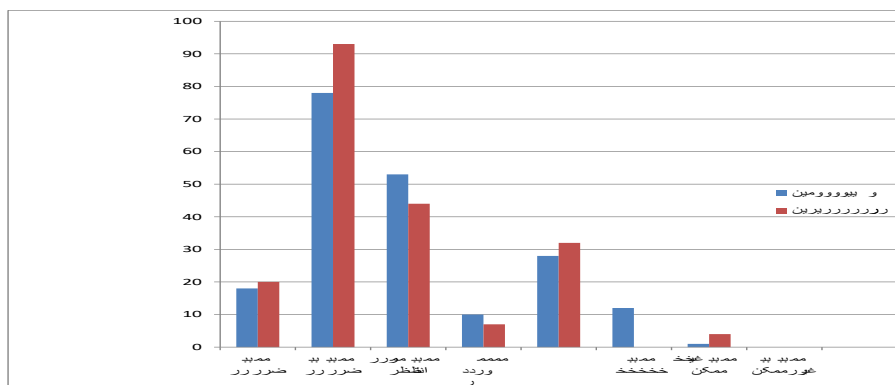
نمودار (۴): رابطه وجه‌شبه با طرفین تشبیه در منظومه خسرو و شیرین



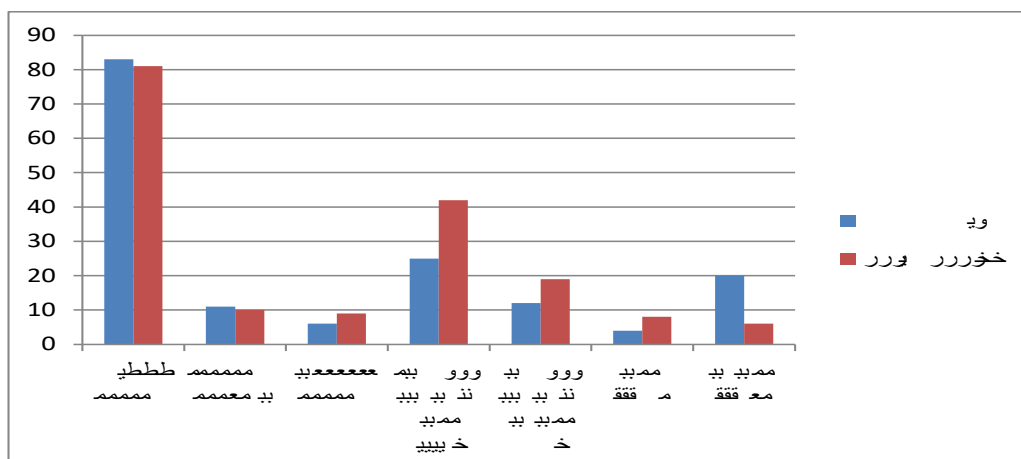
جدول (۵): بسامد کاربرد ارکان خیالی و واقعی در دو منظومه مورد بحث

عنوان منظومه	ویس و رامین	خسرو و شیرین
مشبه معقول	٪۴	٪۸
مشبه‌به معقول	٪۲۰	٪۶
وجه‌شبه از سوی مشبه خیالی	٪۲۵	٪۴۲
وجه‌شبه از سوی مشبه‌به خیالی	٪۱۲	٪۱۹
طرفین تشبیه محسوس	٪۸۳	٪۸۱
محسوس به معقول	٪۱۱	٪۱۰
معقول به محسوس	٪۶	٪۹

نمودار (۵): مقایسه و تطابق رابطه وجه‌شبه با مشبه و مشبه‌به در دو منظومه مورد بحث



نمودار (۶): بسامد کاربرد ارکان خیالی و واقعی در دو منظومه مورد بحث



است، با استناد به جدول (۵) مشاهده می‌گردد که غلبه ارکان محسوس در تشبیهات، بسیار بیشتر از ارکان معقول است. دیگر اختلافی که در تشبیهات این دو داستان دیده می‌شود، این است که بسامد مشبّه به معقول در ویس و رامین ۲۰ درصد کل تشبیهات را شامل می‌شود، درحالی‌که مشبّه به معقول در خسرو و شیرین تنها ۶ درصد است. علت این مسئله، در ویژگی سبک خراسانی و کاربرد عناصر خیالی مانند دیو، غول، جادو و عناصر ماورای طبیعت است که در دوره‌های بعد، کمتر مشاهده می‌شود و در دوره خراسانی، بسامد تشبیه معقول به محسوس کمتر است.

از دیگر نکات مهم پژوهش، وجود و بروز وجه‌شبه‌های نو و ابداعی در بیشتر تشبیهات نظامی است که این مقوله، بیانگر ابتکار و خلاقیت وی در آوردن معانی و مضامین بکر و تازه است. هم‌چنین تصاویر و تشبیهات مشترکی بین دو اثر وجود دارد که نشان‌دهنده بهره‌گیری نظامی از مضامین ویس و رامین است.

### منابع

آن، گراهام (۱۳۸۰). بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.  
 بسمل، محبوبه (۱۳۹۰). «بررسی وجه شبه در اشعار نیما یوشیج». پژوهشنامه ادب حماسی. س ۳.

### نتیجه‌گیری

با الگو قرار دادن نظریه بروک‌رز، حاصل آمد که در منظومه ویس و رامین نسبت به خسرو و شیرین، بسامد تشبیهات تصویری در قیاس با کارکردی بیشتر است که دلیل آن توجه شاعر به طبیعت ساکت و صامت و عکس‌برداری از مناظر و گزینش عناصر تشبیهی از آن است؛ اما در منظومه خسرو و شیرین که از نظر زمانی در آغاز دوره عراقی به سر می‌برد، تشبیهات دارای پویایی بیشتری شده، کم‌کم از سکون و جمود خارج می‌شوند. در مجموع با توجه به توضیحات بیان شده، در هر دو منظومه، بسامد تشبیهات تصویری نسبت به تشبیهات کارکردی بیشتر است.

هم‌چنین در بررسی‌هایی که بر اساس الگوی گوتلی انجام شد، این نتیجه به دست می‌آید که در منظومه خسرو و شیرین، مشبّه خیالی بیشتر از داستان ویس و رامین است و در مقابل منظومه ویس و رامین مشبّه خیالی بیشتری داراست. از دیگر نتایج جدول این است که بیشتر وجوه شباهت، در هر دو منظومه نسبت به مشبّه مورد انتظار و نسبت به مشبّه به ضروری هستند. به این ترتیب شاعر ابتدا صفتی ذاتی از مشبّه به را انتخاب نموده و مشبّه را به آن مانند کرده است.

از آنجایی که اساس تشبیه بر محسوس بودن

- ش ۱۲. ص ۶۴-۱۸۹. بیان. (با تجدیدنظر و اضافات). چاپ پنجم. تهران: فردوس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). فرهنگ اشارات ادبیات فارسی. چاپ نخست از ویرایش دوم. تهران: میترا.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۵۴). مباحثی از تاریخ ادبیات ایران. با مقدمه و توضیحات عنایت‌الله مجیدی. تهران: دهخدا.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۸۱). ویس و رامین (با دو گفتار از صادق هدایت و مینورسکی). با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن. چاپ دوم. تهران: صدای معاصر.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۲). واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: کتاب مهناز.
- نظامی، الیاس‌بن محمد (۱۳۸۶). خسرو و شیرین. با تصحیح وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- نظری، فاضل (۱۳۹۰). گزیده اشعار. چاپ هفدهم. تهران: مروارید.
- هادی، روح‌الله و زینب نصیری (۱۳۹۲). «بررسی ساختار تشبیه در خسرو و شیرین و ویس و رامین». نشریه ادب فارسی. س ۶. ش ۱۲. صص ۱۱۵-۱۳۲.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: امیر کبیر.
- وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲). حدائق السحر فی دقائق الشعر. با تصحیح عباس اقبال. تهران: سنایی.
- Brooke-rose, Christine (1998). *A Grammar of Metaphor*. Secker Ang. London: Walburg.
- Goatly, Andrew (1998). *The Language of Metaphor*. London: Routledge.
- بلزی، کاترین (۱۳۷۹). عمل نقد. ترجمه عباس مخبر. تهران: قصه.
- بهجت تبریزی، سید محمدحسین (شهریار) (۱۳۹۴). مجموعه اشعار شهریار. جلد ۲ از دوره دو جلدی. چاپ سیزدهم. تهران: نگاه.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۰). در سایه آفتاب. تهران: سخن.
- پورنامداریان. تقی و امیرحسین ماحوزی (۱۳۸۷). «بررسی وجه شبه در کلیات شمس». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. س ۶۱. ش ۱۸۶. صص ۴۱-۶۴.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۱). اسرار البلاغه. ترجمه جلیل تجلیل. تهران: دانشگاه تهران.
- داد، سیما (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ سوم. تهران: مروارید.
- رادویانی، محمدبن عمر (۱۳۶۱). ترجمان البلاغه. تحقیق احمد آتش. تهران: اساطیر.
- رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۴). «نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی». نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. س ۲. ش ۵. صص ۸۵-۱۰۰.
- ریپکا، یان و دیگران (۱۳۸۵). تاریخ ادبیات ایران (از دوران باستان تا قاجاریه). ترجمه عیسی شهابی. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱). نقد ادبی. چاپ هفتم. تهران: امیر کبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲). صور خیال در شعر فارسی. چاپ پنجم. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹). سبک‌شناسی شعر. تهران: فردوس.